

تأخیر ازدواج در ایران: تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای مجرد مردان و زنان^۱

عادلہ امامی*، عباس عسکری ندوشن**، محمد ترکاشوند مرادآبادی***، فاطمه ترابی****

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷)

چکیده

در سالیان اخیر، دوران مجرد جوانان ایرانی طولانی‌تر شده است. روند متفاوت تأخیر ازدواج در مناطق مختلف ایران، موجب پراکندگی منطقه‌ای قابل‌ملاحظه از نظر زمان‌بندی ازدواج در بین استان‌ها و شهرستان‌های کشور شده است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه وضعیت و تعیین‌کننده‌های مجرد جوانان در سطح شهرستان‌های ایران بوده و واحد تحلیل، ۴۲۹ شهرستان در سرشماری سال ۱۳۹۵ است. برای این منظور، وضعیت مجرد مردان و زنان، با تمرکز بر سنین ۲۵-۳۹ سال، در سطح شهرستان‌ها مطالعه و سپس ارتباط آن با برخی از ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی شهرستان‌ها بررسی گردید. بر پایه یافته‌ها، شهرستان‌هایی در غرب و جنوب غرب کشور بالاترین نسبت‌های مجرد و در مقابل، شهرستان‌هایی در مرکز و شمال شرق کشور پایین‌ترین نسبت‌های مجرد را برای هر دو جنس دارند. نسبت‌های مجرد، ارتباط معکوسی با نسبت‌های باسوادی و فعالیت و ارتباط مستقیمی با نسبت بیکاری دارند. متغیرهای مستقل مذکور، به‌ترتیب، ۵۱ درصد و ۲۷ درصد از تفاوت‌های شهرستانی در وضعیت مجرد مردان و زنان را در دامنه سنین ۳۰-۳۹ ساله تبیین می‌کنند. سیاست‌های توسعه متوازن ملی در جهت کاهش نابرابری شهرستان‌ها می‌تواند ضمن تسهیل ازدواج جوانان، تفاوت‌های منطقه‌ای و پراکندگی شهرستانی موجود در وضعیت مجرد جوانان را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: جوانان مجرد، تأخیر ازدواج، سن ازدواج، تشکیل خانواده، شهرستان‌های ایران.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده نخست می‌باشد.

* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

E-mail: adeleemami@yahoo.com

** دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: aaskarin@yazd.ac.ir

*** استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

E-mail: m.torkashvand@yazd.ac.ir

**** دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: fatemeh_torabi@ut.ac.ir

مقدمه

افزایش میانگین سن در اولین ازدواج فصل مشترک تغییرات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، طی دهه‌های اخیر بوده است. در ایران نیز طی سالیان اخیر، روند تأخیر در ازدواج دختران و پسران جوان به یکی از چالش‌های مهم جمعیتی و اجتماعی تبدیل شده است. برآوردهای انجام‌شده نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۴۵، میانگین سن اولین ازدواج مردان ایرانی روندی نزولی را طی کرده و از ۲۴/۹ سال به ۲۳/۲ سال رسیده است. اما پس از آن، در تمامی سرشماری‌های بعدی روند افزایشی را تجربه کرده و در سال ۱۳۹۵ با میانگین ۲۷/۴ سال به اوج خود رسیده است. در بین زنان، اما، میانگین این شاخص در سرشماری سال ۱۳۴۵، ۱۸/۳ سال بوده است و تا سرشماری سال ۱۳۹۰ به‌طور مستمر روندی افزایشی داشته است و به ۲۳/۴ سال رسیده است؛ پس از آن با کاهشی اندک به ۲۳ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۴۵). با این اوصاف، بر اساس برآوردهای موجود، میانگین سن در اولین ازدواج، در دوره پنجاه‌ساله، از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵، برای مردان حدود ۲/۵ سال و برای زنان حدود ۴/۵ سال افزایش را تجربه نموده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۶۵).

نتایج آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که از نظر میانگین سن در اولین ازدواج تفاوت‌های مهمی در بین استان‌های کشور، هم برای مردان و هم برای زنان، وجود دارد؛ به‌طوری‌که رقم این شاخص برای مردان در دامنه‌ای از ۲۹/۸ سال در استان ایلام تا حدود ۲۵ سال در استان سیستان و بلوچستان در نوسان بوده است. درخصوص میانگین سنی اولین ازدواج زنان نیز این دامنه تفاوت‌ها از ۲۶/۱ سال در استان ایلام تا ۲۱/۱ سال در استان خراسان رضوی متغیر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). انتظار می‌رود که این تفاوت‌های استانی، در سطوح جغرافیایی کوچک‌تر نیز مانند شهرستان‌ها برقرار باشد. بنابراین، باتوجه به گستره تفاوت در میان مناطق و نواحی کشور، تحلیل و بررسی عوامل تعیین‌کننده این تفاوت‌ها در سطوح فردی، ناحیه‌ای و ملی نیازمند انجام مطالعات اجتماعی و جمعیتی عمیق‌تری است.

هدف مطالعه حاضر، تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در وضعیت مجرد جوانان و میان‌سالان دختر و پسر، و ارتباط آن با شاخص‌ها و ویژگی‌های هر شهرستان است. به این ترتیب، در مطالعه حاضر به جای توجه به ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی اشخاص مجرد، تحلیل‌ها بر سطح کلان‌تر یعنی بررسی تفاوت میان شهرستان‌های کشور از نظر وضعیت مجرد متمرکز است. به عبارت

روشن‌تر، این مقاله، با تمرکز بر تفاوت‌های شهرستانی در میانگین سن ازدواج دختران و پسران ایرانی، ارتباط متقابل میان وضعیت مجرد زنان و مردان را با برخی از ویژگی‌ها اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی شهرستان‌های کشور مورد تحلیل قرار می‌دهد. فراروی این مطالعه، پرسش‌های پژوهشی از این قبیل قرار دارد: تفاوت و پراکندگی وضعیت مجرد مردان و زنان در میان شهرستان‌های کشور چگونه است و کدام شهرستان‌های ایران، بالاترین و پایین‌ترین مقادیر هر شاخص و نسبت مجرد را دارند؟ ارتباط میان شاخص‌ها و متغیرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی شهرستان‌ها با نسبت‌های مجرد در سنین مختلف چگونه است؟ آیا عواملی که تفاوت‌های موجود در نسبت مجرد را به‌طور نسبی توضیح می‌دهند، برای مردان و زنان یکسانند؟ در این مقاله، بر مبنای تحلیل داده‌های ثانویه سرشماری سال ۱۳۹۵ در سطح شهرستانی تلاش می‌شود وضعیت شهرستان‌های ایران از نظر نسبت‌های مجرد مردان و زنان مورد کنکاش قرار گیرد و ارتباط آن با تعدادی از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی شهرستان‌ها تحلیل گردد.

چارچوب نظری

اندیشمندان علوم اجتماعی، تغییرات زمان‌بندی ازدواج را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی چندعاملی در نظر گرفته و از زوایا و دیدگاه‌های مختلفی سعی در تبیین آن داشته‌اند. بخشی از ادبیات پژوهشی موجود بر ارتباط میان عوامل تعیین‌کننده ساختاری و تأثیر آن بر زمان‌بندی ازدواج تأکید کرده‌اند (بکر^۱، ۱۹۸۱؛ استوانسون و والفرز^۲، ۲۰۰۷؛ گود^۳، ۱۹۶۳؛ اوپنهایم^۴، ۱۹۸۸؛ مورو و همکاران^۵، ۲۰۱۷؛ نابلز و باتنهایم^۶، ۲۰۰۸). این تحقیقات اشاره بر این دارند که در فرآیند توسعه اقتصادی، تغییراتی رخ می‌دهد که می‌تواند اثرات بالقوه‌ای بر رفتارهای ازدواج داشته باشد (گود، ۱۹۶۳). نمونه‌ای از چنین تغییراتی عبارتند از: جابه‌جایی در محل سکونت و زندگی (یا شهرنشینی) تغییر در سطح و توزیع درآمد، تغییر در فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان، فراگیر شدن آموزش و تحصیلات برای مردان و زنان و اصلاح قوانین و نهادها (مورو و همکاران، ۲۰۱۷).

-
1. Becker
 2. Stevenson & Wolfers
 3. Goode
 4. Oppenheimer
 5. Moro et al
 6. Nobles & Bütünheim

ویلیام گود (۱۹۶۳)، با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، پیامدهای نوسازی را بر تغییر ابعاد مختلف خانواده در سطح جهان، و از جمله سن ازدواج را در چارچوب نظریه هم‌گرایی خانواده بیان کرده است. بر اساس نظریه هم‌گرایی خانواده، مدرنیزاسیون و نوسازی سبب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، توسعه ارتباطات، گسترش آموزش و نظایر آن می‌گردد. در نتیجه این تجدید ساختار، شبکه خویشاوندی و خانواده گسترده در سراسر جهان، به تدریج در جهت مدل خانواده هسته‌ای غرب حرکت خواهد کرد و به این ترتیب، هم‌گرایی در الگوهای خانواده در سطح دنیا اتفاق خواهد افتاد. بر اساس نظریه گود، با گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی، ابعاد مختلف خانواده نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (عباسی‌شوازی و رشوند، ۱۳۹۶). برآیند این تغییرات زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی لازم برای تأخیر ازدواج را فراهم خواهد نمود. مدل‌های نظری دیگری که به تغییر در زمان‌بندی ازدواج پرداخته‌اند، دیدگاه‌های اقتصادی هستند. این دیدگاه‌ها بر این باورند که در دوره‌های رونق و بهبود اوضاع اقتصادی، مردم بیشتر ازدواج می‌کنند. مدل‌های هزینه-فایده ازدواج که توسط اقتصاددانانی مانند بکر (۱۹۸۱) مطرح شده است، بر منفعت و مطلوبیت انتظاری ازدواج تأکید دارد. بر اساس نظریه بکر، هر دو جنس زن و مرد، دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های خاصی هستند که در موضوع ازدواج، این قابلیت‌ها می‌توانند مکمل توانمندی شریک بالقوه فرد باشند. هنگام تصمیم‌گیری برای ازدواج، هر شخص عایدی‌های ناشی از ازدواج را برای خود در مقایسه با ازدواج نکردن و مجرد ماندن مقایسه می‌کند و زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرد که باور کند در صورت ازدواج کردن، منفعتی بیش از زمان مجرد ماندن در انتظار اوست. بر این اساس، ارزیابی شخص از فایده ازدواج بر اساس محاسبات عقلانی، مربوط به درآمد، و حتی متغیرهای غیربازاری مانند تحصیلات یا زیبایی انجام می‌شود و ارزیابی از هزینه‌ها نیز بر اساس طیف گسترده‌ای از هزینه‌ها از قبیل هزینه برگزاری مراسم ازدواج، هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته شغلی و تحصیلی و... صورت می‌گیرد (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نابلز و باتنهایم، ۲۰۰۸).

اوپنهایم (۱۹۸۸) مدل جستجوی همسر مناسب را پیشنهاد می‌کند. این مدل نظری معتقد است زمان‌بندی ازدواج بستگی به این دارد که آنها چه موقع بتوانند همسر مناسبی را برای خود پیدا کنند. در واقع، افراد زمانی ازدواج می‌کنند که بتوانند همسر مناسبی برای خود پیدا کنند. البته

بر اساس این مدل نظری، تحت تأثیر سطح توسعه اقتصادی و متغیرهای آن، هنجارها و ایده‌آل‌های مربوط به این جستجو و یافتن همسر مناسب و در نتیجه زمان‌بندی ازدواج فرق می‌کند. عواملی مانند صنعتی شدن و شهرنشینی، فرصت‌های اقتصادی تازه‌ای را فراهم می‌کنند که بعضاً جذابیت‌های آن به مراتب بیش از ازدواج است. به‌طور خاص، ورود زنان به بازار کار و برعهده گرفتن نقش‌های اقتصادی مشابه مردان، پویایی این فرآیند همسریابی را دستخوش تغییر می‌کند. براین اساس، فرآیند نوسازی و مدرنیزاسیون، می‌تواند سطح توقعات افراد در خصوص استانداردهای زندگی پس از ازدواج را بالا برده و فرآیند جستجوی یک همسر مناسب که بتواند این سطح از انتظارات را برآورده سازد، طولانی و ازدواج را به تأخیر اندازد (نابلز و باتنهايم، ۲۰۰۸).

در مطالعه حاضر، از آنجایی که ارزیابی سهم تعیین‌کننده‌های ساختاری بر الگوهای سنی مجرد در شهرستان‌های ایران مدنظر است، تلفیقی از مدل‌های نظری فوق می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در پژوهش حاضر، بر مبنای نظریه‌های فوق، پاره‌ای از شاخص‌های اقتصادی اجتماعی که به‌نوعی می‌توانند تفاوت‌های شهرستانی در وضعیت مجرد مردان و زنان در ایران را تبیین نمایند، انتخاب و مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. از این‌رو، عواملی مانند شهرنشینی، تحصیلات و آموزش، وضع فعالیت و اشتغال و سطح فرزندآوری به‌عنوان شاخص‌هایی که در سطح شهرستانی قادر به تبیین تفاوت‌های مشاهده شده در وضعیت مجرد مردان و زنان هستند، در نظر گرفته خواهند شد. با استناد به مدل‌های نظری فوق، دلایل نظری کافی برای انتخاب این عوامل در مطالعه حاضر وجود دارد. شهرستان‌های ایران پراکندگی قابل توجهی به لحاظ شاخص‌های اقتصادی اجتماعی دارند و عوامل منتخب فوق، نماگرهای مهمی برای نشان دادن تفاوت شهرستان‌های ایران در شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی هستند. از طرفی، مطالعه حاضر، یک پژوهش مقطعی مبتنی بر داده‌های ثانویه است. به‌جهت وجود چنین محدودیتی در مطالعه، بحث تقدم و تأخر زمانی در برقراری تأثیر علی میان متغیرهای تحقیق در این پژوهش، اساساً موضوعیت و جایگاهی ندارد. به‌عنوان مثال، چنانچه تقدم و تأخر متغیرها در یک رابطه علی ملاک قرار گیرد، باتوجه به اینکه ازدواج یکی از پیش‌شرط‌های فرزندآوری است، بنابراین، امکان تأثیر فرزندآوری بر ازدواج منطقی به‌نظر نمی‌رسد. حال آنکه، مطالعه حاضر، قصد دارد بر اساس یک رویکرد مقطعی، عوامل همبسته با وضعیت مجرد در سطح شهرستانی را تحلیل نماید. با این

نگاه، شاخص باروری یک مشخصه اقتصادی- اجتماعی در سطح شهرستان است که از قضا مطالعات نظری و تجربی متعددی هم ارتباط آن را با سطح توسعه مناطق (بونگارت و واتکینز^۱، ۱۹۹۶) و هم ارتباط آن را با تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی در مناطق مختلف (کول^۲ و واتکینز ۱۹۸۶) نشان داده‌اند. با این اوصاف، وضعیت باروری به‌عنوان تابعی از شاخص‌های توسعه و تفاوت‌های فرهنگی مناطق است که اتفاقاً این شاخص‌ها، می‌توانند هم‌پیوندی نزدیکی با زمان‌بندی ازدواج و وضعیت تجرد در مناطق داشته باشند. به اختصار، مکانیزم‌های نظری ابعاد مختلف ارتباط میان شهرنشینی، تحصیلات و آموزش، وضع فعالیت و اشتغال و فرزندآوری با وضعیت شهرستانی تجرد را می‌توان در پرتو نظریه‌های هم‌گرایی، مدل‌های مطلوبیت اقتصادی ازدواج و مدل‌های جامعه‌شناختی جستجوی همسر که در فوق مرور گردید، توضیح داد. همگی این دیدگاه‌های نظری، زمان‌بندی ازدواج را نوعاً به فرصت‌ها و تغییرات نوظهور ناشی از توسعه و شاخص‌های آن مربوط دانسته‌اند.

پیشینه تحقیق

مطالعات مختلفی تلاش کرده‌اند به تحلیل و بررسی تحولات در زمان‌بندی ازدواج جوانان در جامعه ایران و همچنین مناطق مختلف دنیا بپردازند. نیک‌پور و حسنعلی‌زاده (۱۳۹۹)، تمرکز افراد ازدواج‌نکرده را مربوط به نیمه جنوبی کشور به‌ویژه جنوب غرب و جنوب شرق و همچنین غرب کشور دانستند. رحیمی و همکارانش (۱۳۹۵) دریافتند که روند طولانی شدن تجرد زنان در دهه‌های اخیر به‌گونه‌ای است که الگوهای تجرد در میان زنان به سوی هم‌گرایی با مردان پیش می‌رود. حسینی و همکارانش (۱۳۹۸) تأخیر ازدواج دختران را در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله در شهرستان‌های ایران برپایه داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ مطالعه کردند و نشان دادند که نسبت تجرد مردان، عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، بیکاری مردان، و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، مهمترین عوامل تبیین‌کننده تجرد دختران در گروه سنی تحت مطالعه بوده است. نتایج تعدادی از مطالعات پیشین که به بررسی علل اثرگذار بر افزایش سن ازدواج پرداخته‌اند، در ادامه مرور می‌شوند.

در زمینه تحصیلات چندین مطالعه نقش متغیر تحصیلات را در زمان‌بندی ازدواج مورد

1. Bongaarts & Watkins
2. Coale

مطالعه قرار داده‌اند. برای نمونه عسکری‌ندوشن و همکارانش (۱۳۹۵) نشان دادند تحصیلات مهم‌ترین متغیر اثرگذار در نگرش به سن مناسب ازدواج دختران و پسران است. بر اساس یافته‌های مطالعه مذکور، تحصیلات رابطه مستقیمی با نگرش به سن ایده‌آل ازدواج دختران دارد. عباسی‌شوازی و همکارانش (۲۰۱۲) در آزمون نظریه ایده‌آلیسم توسعه، بر مبنای داده‌های گردآوری شده از شهر یزد نشان دادند که تحصیلات والدین، تحصیلات پاسخگو و درآمد، متغیرهایی هستند که با فراهم‌سازی امکان پذیرش ایده‌آل‌های توسعه، در تغییر ابعاد نگرشی و رفتاری ازدواج و خانواده در ایران نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در مطالعات دیگر توسط گارن (۲۰۱۶)، زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، مرادی و صفاریان (۱۳۹۱)، احمدی و همتی (۱۳۸۷) و کاظمی‌پور (۱۳۸۳) نیز نتایج نشان داد که بین تحصیلات و سن ازدواج رابطه وجود دارد. تحصیلات همچنین در مطالعه محمدپور و تقوی (۱۳۹۲) به عنوان مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده واریانس سن ازدواج شناخته شد. حسین و اسلام^۱ (۲۰۱۳)، به این نتایج دست یافتند که تحصیلات تأثیر به‌سزایی در سن اولین ازدواج در بنگلادش دارد و بهبود و ارتقاء وضعیت زنان، افزایش در سن اولین ازدواج را به دنبال خواهد داشت. مطالعه‌ای دیگر از آقایی و طاهری‌بنچناری (۱۳۹۲) نشان داد بین متغیرهای تحصیلات و نگرش به سن ازدواج دختران رابطه معنی‌دار وجود دارد اما در مورد پسران رابطه معنی‌دار وجود ندارد. یوروویچ^۲ (۲۰۱۰)، نشان داد تحصیلات می‌تواند ازدواج را برای حداقل دو سال بعد از اتمام تحصیل به تعویق بیندازد. در مطالعه منچ و همکارانش (۲۰۰۵) مشخص شد که در کشورهای در حال توسعه در طول ۳۰ سال گذشته، کاهش قابل توجهی در نسبت جوانان ازدواج کرده رخ داده است که گسترش روند تحصیلات برای زنان تا حدودی بر این امر موثر بوده است. در مطالعه التجایی و عزیززاده (۱۳۹۵) اما متغیر تحصیلات آثار معناداری از خود نشان نداد و این مطالعه رابطه میان تحصیلات و سن ازدواج را نفی می‌کند. تعدادی از تحقیقات در زمینه افزایش سن ازدواج، همچنین تأکید فراوانی بر اثر منفی بیکاری و عدم ثبات شغلی برای هر دو جنس برای ازدواج داشتند. برای نمونه یافته‌های مطالعه حسینی و همکارانش (۱۳۹۸) نشان داد بیکاری مردان از عوامل اثرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج در ایران است. بحیرائی و حضرتی‌صومعه (۱۳۹۱)، در پژوهش خود اشتغال دختران و عوامل اقتصادی را

از عواملی دانستند که در افزایش سن ازدواج اثر دارد. نیازی و همکارانش (۱۳۹۴) هم به تأثیر متغیرهای وضعیت اقتصادی و بیکاری با توجه به افزایش سنگینی مخارج ازدواج اشاره داشتند. در مطالعه‌ای دیگر، التجایی و عزیززاده (۱۳۹۵) نشان دادند که افزایش تورم و بیکاری موجب افزایش سن ازدواج مردان و زنان می‌شوند. نتایج مطالعه حسین‌زاده (۱۳۸۷) نیز بیانگر رابطه‌ای معنی‌دار میان وضعیت شغلی و میزان درآمد با تأخیر در سن ازدواج است. در مطالعه یوروویچ (۲۰۱۰) نشان داده شد که ثبات اشتغال و درآمد مردان اثر مثبتی بر ازدواج دارند.

محل سکونت نیز از متغیرهایی است که اثرگذاری آن بر ازدواج در مطالعات پیشین مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعه زارع شاه‌آبادی و همکارانش (۱۳۹۵) نشان داد بین محل سکونت با سن ازدواج رابطه وجود دارد. نتایج مطالعه کاظمی‌پور (۱۳۸۳) نیز نشان داد میان متغیر سن ازدواج با محل سکونت در شهر و روستا ارتباط وجود دارد. در مطالعه دیگری، محمودیان (۱۳۸۳)، شهرنشینی را یک عامل برای افزایش سن ازدواج شناسایی کرد که در تحلیل چندمتغیره نیز این عامل اثر معنی‌دار خود را حفظ کرد. مطالعه گارن (۲۰۱۶)، حسین و اسلام (۲۰۱۳)، ایکاماری (۲۰۰۵) و منچ و همکاران (۲۰۰۵) نیز به اثرگذاری متغیر محل سکونت بر تمایل به ازدواج و سن ازدواج اشاره شده است.

تحقیقات ارزشمندی تاکنون در رابطه با تحولات سنی ازدواج در سطح ملی انجام شده است (مانند: حسینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش حاضر ضمن روزآمدسازی دستاوردهای مطالعاتی گذشته، به‌طورهمزمان تغییرات وضعیت تجمرد را برای هر دو جنس مردان و زنان مورد تحلیل قرار می‌دهد. داده‌های مورد تحلیل در این مطالعه، داده‌های سطح انبوه است که شهرستان‌به‌شهرستان محاسبه و پردازش گردیده و شاخص‌های لازم از آن استخراج گردیده است. در تحلیل اطلاعات نیز تا حد امکان تلاش گردیده است شاخص‌ها و متغیرها به‌طور جداگانه برای هر دو جنس مورد تحلیل قرار گیرد.

روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق در مطالعه حاضر، روش کمی و مبتنی بر رویکرد تحلیل ثانویه داده‌های موجود است. داده‌های اصلی تحقیق حاضر از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مربوط به سال

۱۳۹۵ استخراج گردیده است. در مطالعه حاضر واحد اصلی تحلیل، ۴۲۹ شهرستان ایران در سرشماری سال ۱۳۹۵ است. از آنجایی که در پژوهش حاضر، تحلیل‌ها در سطح شهرستانی انجام می‌گیرد، برای تعداد ۴۲۹ شهرستانی که مطابق با سرشماری ۱۳۹۵ در تقسیمات شهرستانی وجود داشته است، محاسبه و پردازش نسبت‌ها و شاخص‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی در سطح شهرستانی بر اساس داده‌های سرشماری در محیط اکسل انجام گرفته و سپس روابط موجود میان آنها بر مبنای تحلیل‌های توصیفی، دومتغیره و چندمتغیره مورد ارزیابی قرار گرفته است.

متغیر وابسته در این پژوهش، نسبت‌های مجرد زنان و مردان واقع در سنین ازدواج در سطح شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۵ است. برای تحلیل روند تأخیر در ازدواج، الگوی توزیع سنی وضعیت ازدواج و مجرد جوانان در گروه‌های سنی ۲۹-۲۵ ساله، ۳۴-۳۰ ساله و ۳۹-۳۵ ساله نماگرهای مهمی به شمار می‌روند. به‌همین دلیل تمرکز ما در این تحقیق بر همین دامنه سنی ۳۹-۲۵ ساله و به‌ویژه وضعیت تجربه‌ها در دهه چهارم زندگی افراد یعنی بازه ۳۹-۳۰ ساله است. علاوه بر این، میانگین سن در اولین ازدواج، که در روش هاینل^۱ بر اساس نسبت‌های سنی مجرد برآورد می‌شود و به‌همین دلیل در عمل می‌توان آن را میانگین سنی مجرد هم دانست (میرزایی، ۱۳۸۲)، نیز در جاهایی از تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

شاخص‌هایی که برپایه داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ محاسبه گردیده و در سطح شهرستان‌ها به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند، به‌این شرح است:

- شاخص شهرنشینی: این شاخص، بر اساس محاسبه نسبت شهرنشینی به‌دست آمده است که سهم نسبی جمعیت شهرنشین و روستانشین در هر شهرستان را مشخص می‌کند.
- شاخص‌های تحصیلات و آموزش: این شاخص‌ها شامل نسبت جمعیت مردان باسواد در هر شهرستان، نسبت جمعیت زنان باسواد در هر شهرستان، نسبت جمعیت مردان دارای تحصیلات عالی در هر شهرستان و نسبت جمعیت زنان دارای تحصیلات عالی در هر شهرستان است.
- شاخص باروری: این متغیر بر اساس شاخص نسبت کودک به زن^۲ محاسبه شده است که از تقسیم جمعیت کودکان ۰-۴ ساله هر شهرستان به جمعیت زنان واقع در سنین باروری

1. Hajnal

2. Child-Woman Ratio

یعنی زنان ۴۹-۱۵ ساله محاسبه گردیده است.

– شاخص‌های وضع فعالیت و اشتغال: این متغیرها شامل، درصد فعالیت (درصد مشارکت نیروی کار) مردان در هر شهرستان، درصد فعالیت (درصد مشارکت نیروی کار) زنان در هر شهرستان، نسبت بیکاری مردان و نسبت بیکاری زنان در سرشماری سال ۱۳۹۵ کل کشور است.

با توجه به اینکه متغیرهای مورد استفاده در سطح شهرستانی و به صورت درصد و نسبت محاسبه شده است، لذا از آزمون آماری همبستگی پیرسون در سطح دومتغیره و رگرسیون خطی در سطح چندمتغیره برای تحلیل روابط بین متغیرها استفاده شد. علاوه بر این، برای نشان دادن توزیع فضایی تجرد، از نقشه سیستم اطلاعات جغرافیایی^۱ استفاده گردید.

یافته‌ها

الف) سیمای شهرستانی جمعیت مجردین در ایران

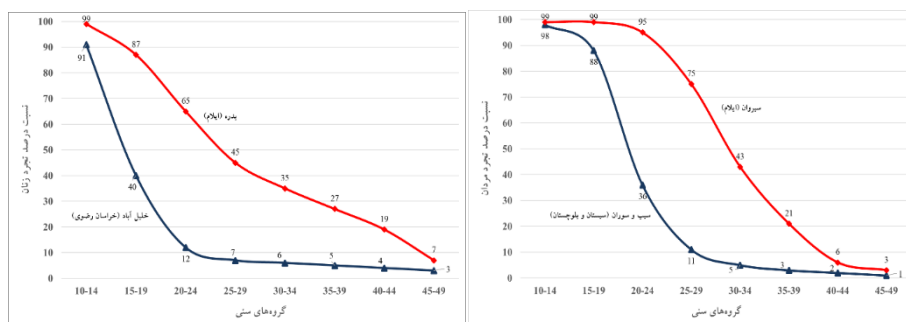
در این قسمت، ابتدا تلاش می‌شود بر مبنای داده‌های آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵، وضعیت تجرد زنان و مردان در شهرستان‌های کشور به تصویر درآید. در ادامه، سیمای کلی شهرستان‌های کشور بر مبنای وضعیت تعدادی از شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی-اقتصادی بررسی و توصیف می‌شود. در نهایت، روابط موجود میان نسبت‌های تجرد و شاخص‌های شهرستانی در سطح دومتغیره و چندمتغیره مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نمودار ۱، بر مبنای میانگین سنی تجرد (میانگین سن در اولین ازدواج) در سرشماری سال ۱۳۹۵، تصویری از الگوهای سنی تجرد را در شهرستان‌های دارای بیشترین و کمترین میانگین سنی تجرد به تفکیک برای مردان و زنان ارائه می‌کند. نمودار سمت چپ، به زنان و نمودار سمت راست به مردان اختصاص دارد. همانگونه که نمودار مربوط به زنان نشان می‌دهد شهرستان خلیل‌آباد در استان خراسان رضوی با میانگین سنی ۱۷/۸ سال به هنگام اولین ازدواج، روی هم رفته پایین‌ترین نسبت‌های تجرد زنان را در بین شهرستان‌های ایران به خود اختصاص داده است. در آن سوی طیف، شهرستان بدره در استان ایلام با میانگین سنی ۲۸/۳ سال به هنگام اولین ازدواج، به طور متوسط دارای بالاترین نسبت‌های تجرد زنان در بین شهرستان‌ها بوده است. دامنه تفاوت

نسبت درصد‌های مجرد در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله با ۵۳ نقطه درصدی اختلاف میان این دو شهرستان به اوج خود می‌رسد. به گونه‌ای که در شهرستان خلیل‌آباد، در برابر هر ۱۰۰ نفر زن ۲۴-۲۰ ساله، ۱۲ زن مجرد هرگز ازدواج نکرده در این گروه سنی وجود دارد. حال آنکه در شهرستان بدره این رقم ۶۵ زن از هر ۱۰۰ زن هرگز ازدواج نکرده است. ملاحظه نمودار مربوط به مردان نیز تفاوت میان شهرستان سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان را با پایین‌ترین میانگین سنی مجرد مردان (۲۱/۹ سال) در مقایسه با شهرستان سیروان در استان ایلام با بالاترین میانگین سنی مجرد (۳۱/۷ سال) به تصویر می‌کشد. برای مردان، نقطه اوج تفاوت در نسبت‌های مجرد را می‌توان در سنین ۲۹-۲۵ سالگی و با حدود ۶۴ درصد اختلاف میان دو شهرستان ملاحظه نمود. به عبارت روشن‌تر، در این گروه سنی، به طور متوسط ۱۱ مرد مجرد هرگز ازدواج نکرده از هر ۱۰۰ نفر مرد در شهرستان سیب و سوران می‌توان یافت، حال آنکه در شهرستان سیروان، از هر ۱۰۰ نفر مرد واقع در این گروه سنی، ۷۵ مرد هرگز ازدواج نکرده وجود دارد.

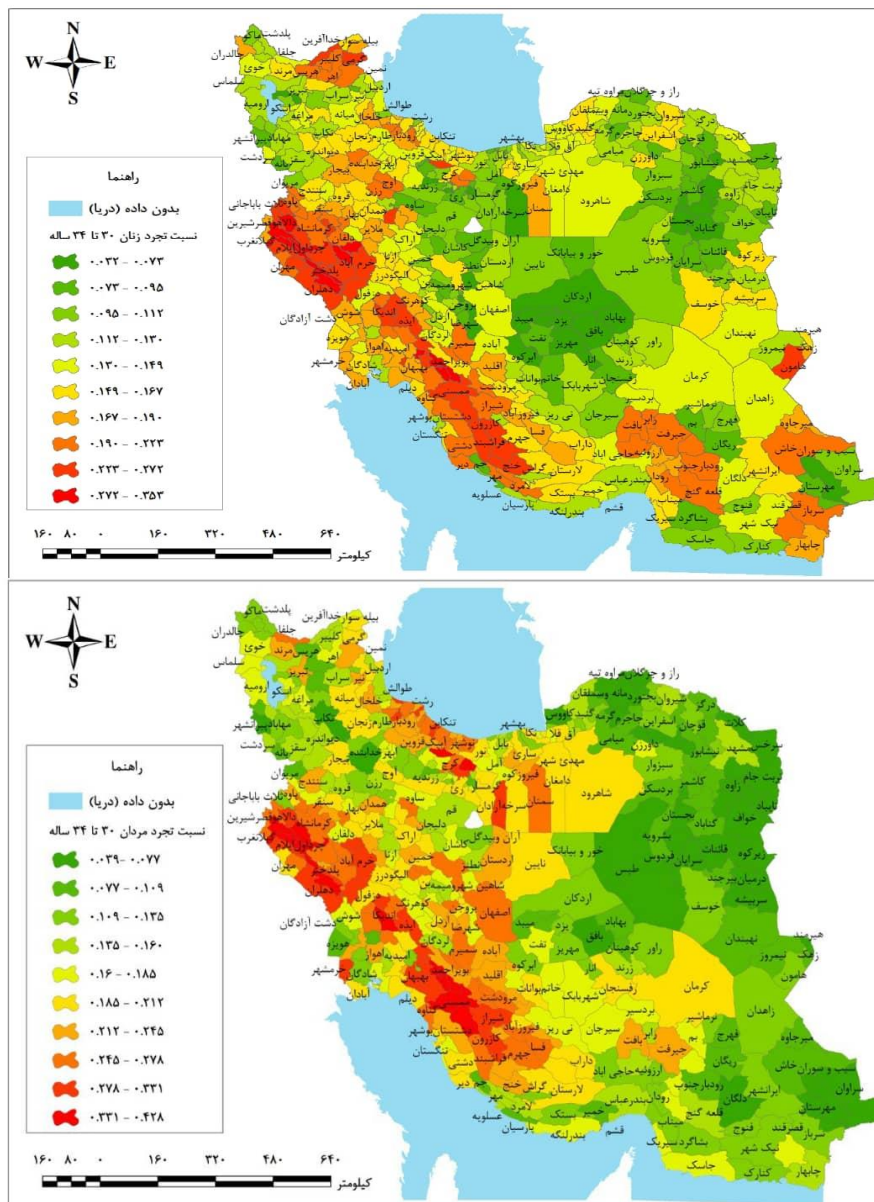
نمودار ۱: الگوهای سنی مجرد زنان و مردان در شهرستان‌های دارای بیشترین و کمترین میانگین

سنی مجرد- ایران، داده‌های سرشماری ۱۳۹۵



در شکل ۱، پراکندگی فضایی شاخص نسبت مجرد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله به تفکیک برای مردان و زنان در شهرستان‌های ایران بر روی نقشه نمایش داده شده است. نمای کلی نقشه، سنگ‌فرشی رنگارنگ از الگوهای متنوع فرهنگی-اجتماعی در حوزه ازدواج در شهرستان‌های ایران را به تصویر می‌کشد. با این وجود، الگوهای فضایی مشخصی نیز بر روی نقشه قابل تشخیص است. توزیع فضایی وضعیت مجرد نشان می‌دهد که شهرستان‌های واقع بر روی نواری که از غرب تا جنوب غرب کشیده شده دارای بالاترین نسبت‌های مجرد در سنین

۳۰-۳۴ ساله در ایران هستند و این الگوی توزیع فضایی نسبت‌های مجرد، برای مردان و زنان تقریباً مشابه است. در واقع، بر روی این نوار، شهرستان‌هایی از استان‌های کرمانشاه و ایلام و لرستان تا چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس و بوشهر واقع شده‌اند. در نقطه مقابل، پایین‌ترین نسبت‌های مجرد در سنین ۳۰-۳۴ ساله برای مردان و زنان را می‌توان در مناطق مرکزی کشور دید که امتداد آن به سمت شمال‌شرق کشور و منطقه خراسان ایران شامل خراسان‌های جنوبی، شمالی و به‌ویژه استان خراسان رضوی کشیده می‌شود. باین‌حال، مقایسه نقشه‌های مربوط به توزیع فضایی مردان و زنان حاکی از آن است که سهم نسبی مردان مجرد ۳۰-۳۴ ساله در مناطقی از شرق، جنوب شرق و جنوب کشور که شهرستان‌هایی از استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و هرمزگان را در برمی‌گیرد، الگویی متفاوت از نقشه توزیع فضایی مجرد زنان را دارد. ارقام برآوردشده برای نسبت‌های مجرد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله، در سطح شهرستان‌های کشور نشان می‌دهد که این مقدار برای مردان در دامنه‌ای بین ۳/۲ درصد در شهرستان خواف (خراسان رضوی) تا ۴۲/۸ درصد در شهرستان سیروان (ایلام) بین شهرستان‌های کشور پراکنده شده است. برای زنان نیز دامنه مقادیر از ۳/۲ درصد در شهرستان بافق (یزد) تا ۳۵/۳ درصد در شهرستان بدره (ایلام) توزیع شده است. به بیان روشن‌تر، توزیع نسبت درصدهای مجرد برای مردان ۳۰-۳۴ ساله، از شهرستان‌های دارای پایین‌ترین مقدار به ترتیب در خواف (خراسان رضوی)، باخرز (خراسان رضوی) و راز و جرگلان (خراسان شمالی) تا بالاترین مقدار به ترتیب در شهرستان‌های سیروان (ایلام)، بدره (ایلام)، گیلانغرب (کرمانشاه) واقع شده است. برای زنان نیز این نسبت درصدها از پایین‌ترین رقم به ترتیب در شهرستان‌های بافق (یزد)، سیب و سوران (سیستان و بلوچستان) و میبد (یزد) تا بالاترین رقم آن در بدره (ایلام)، باشت (کهگیلویه و بویراحمد) و رستم (فارس) متغیر است.



شکل ۱: پراکندگی نسبت مجرد مردان و زنان ۳۰-۳۴ ساله در شهرستان‌های ایران - داده‌های

سرشماری ۱۳۹۵

در جدول ۱، اطلاعات مربوط به تعدادی از شاخص‌ها و متغیرهای مورد تحلیل در مطالعه حاضر نشان داده شده است. برای هر متغیر، میانگین کشوری شاخص، همراه با نام سه شهرستانی که در کل کشور، دارای بالاترین مقدار و پایین‌ترین مقدار مربوط به هر شاخص بوده‌اند، همراه با ذکر مقادیر مربوطه، گزارش شده است. داده‌های ارائه‌شده در جدول نشان می‌دهند که میانگین درصد شهرنشینی شهرستان‌های کشور $56/8$ بوده است و در کل کشور در دامنه‌ای از $99/5$ درصد در تهران تا $5/8$ درصد در خداآفرین آذربایجان شرقی در نوسان بوده است. شاخص نسبت کودک به زن که می‌تواند منعکس‌کننده سطح باروری شهرستان‌ها باشد، نیز دارای میانگین شهرستانی حدود 354 در هزار بوده است. مقدار این شاخص از 836 در شهرستان مهرستان سیستان و بلوچستان تا حدود 173 در بندرانزلی گیلان متغیر بوده است. میانگین سنی اولین ازدواج در مردان و زنان به ترتیب 27 سال و $22/6$ سال می‌باشد. مردان شهرستان سیروان ایلام بالاترین میانگین سن ازدواج را با $31/7$ به خود اختصاص داده‌اند و کمترین آن نیز مربوط به مردان شهرستان سیب‌وسوران سیستان و بلوچستان با $21/9$ سال بوده است. زنان شهرستان بدره ایلام با میانگین سنی ازدواج $28/3$ بالاترین و زنان خلیل‌آباد خراسان‌رضوی با $17/8$ پایین‌ترین میانگین سن ازدواج را داشته‌اند. میانگین شهرستانی درصد باسوادی برای مردان در کل کشور $88/2$ درصد و برای زنان $79/3$ درصد بوده است. در این شاخص، برای دو جنس، شهرستان ابوموسی واقع در استان هرمزگان بیشترین و شهرستان سرباز سیستان و بلوچستان کمترین درصد باسوادی را از آن خود کرده‌اند. شهرستان ابوموسی هرمزگان در شاخص درصد مردان دارای تحصیلات عالی نیز با $39/3$ درصد در صدر و شهرستان هیرمند واقع در استان سیستان و بلوچستان با $3/6$ درصد در ذیل همه شهرستان‌های ایران قرار داشته است. ارقام صدر و ذیل این شاخص برای زنان، مربوط به شهرستان سمنان با $35/6$ درصد و شهرستان سرباز واقع در استان سیستان و بلوچستان با $1/6$ درصد بوده است.

درصد فعالیت، شاخص دیگری است که در جدول ۱ گزارش شده است. میانگین شهرستانی درصد فعالیت مردان $65/7$ درصد است که اختلاف چشمگیری با میانگین این شاخص برای زنان، با رقم $12/8$ درصد داشته است. مردان در شهرستان ابوموسی (با $92/5$ درصد) و زنان در شهرستان سرباز سیستان و بلوچستان (با 33 درصد) بیشترین درصد فعالیت را دارا بوده‌اند. کمترین درصد فعالیت به ترتیب برای مردان و زنان در شهرستان‌های ایران نیز متعلق به

شهرستان‌های مهرستان سیستان و بلوچستان با ۴۴ درصد و بهار همدان با ۴/۳ بوده است. آخرین شاخص ارائه شده در جدول نرخ بیکاری است. میانگین شهرستانی درصد بیکاری برای مردان ۱۰/۸ درصد و برای زنان حدود دو برابر آن یعنی ۲۲/۱ درصد در کشور بوده است. دامنه تفاوت نسبت‌های بیکاری مردان در سطح شهرستان‌های ایران از شهرستان ثلاث‌باباجانی کرمانشاه با حدود ۳۲ درصد تا ابوموسی هرمزگان با تنها ۰/۵ درصد در نوسان بوده است. برای زنان نیز شهرستان اسلام‌آبادغرب کرمانشاه، با حدود ۶۵ درصد، در رده نخست نسبت بیکاری از میان شهرستان‌های ایران قرار گرفته است. شهرستان خوشاب خراسان رضوی، با ۲ درصد، کمترین مقدار بیکاری را در بین شهرستان‌های کشور دارا می‌باشد.

جدول ۱: توزیع و پراکندگی تعدادی از شاخص‌های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی در سطح

شهرستان‌های ایران - داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

شهرستان‌های دارای بیشترین مقدار در شاخص	میانگین*	شهرستان‌های دارای کمترین مقدار در شاخص
تهران (تهران) ۹۹/۵	۵۶/۸	خداآفرین (آذربایجان شرقی) و بلوچستان (هرمزگان) ۵/۸ ۷/۴ ۸/۲
مهرستان (سیستان و بلوچستان) ۸۱۷/۹	۳۵۴/۲	بندر انزلی (گیلان) لاهیجان (گیلان) طالقان (البرز) ۱۷۲/۷ ۱۷۴/۵ ۱۷۶/۶
میانگین سن ازدواج مردان ۳۱/۷	۲۷/۰	سیب‌وسوران (سیستان و بلوچستان) ۲۱/۹
میانگین سن ازدواج زنان ۲۸/۳	۲۲/۶	خلیل‌آباد (خراسان رضوی) فیروزه (خراسان رضوی) ۱۷/۸ ۱۷/۹
درصد باسوادی مردان ۹۹/۵	۸۸/۲	سرباز (سیستان و بلوچستان) فنونج (سیستان و بلوچستان) ۶۶/۹ ۷۱/۲
درصد باسوادی زنان ۹۸/۰	۷۹/۳	سرباز (سیستان و بلوچستان) قصرقند (سیستان و بلوچستان) ۵۴/۱ ۵۷/۰

شهرستان‌های دارای بیشترین مقدار در شاخص میانگین*			شهرستان‌های دارای کم‌ترین مقدار در شاخص		
درصد مردان دارای تحصیلات عالی	ابوموسی (هرمزگان) ۳۹/۳	کنگان (بوشهر) ۳۸/۳	سمنان (سمنان) ۳۸/۱	۱۵/۵	هیرمند (سیستان و بلوچستان) ۳/۶
درصد زنان دارای تحصیلات عالی	سمنان (سمنان) ۳۵/۶	تهران (تهران) ۳۲/۶	ابوموسی (هرمزگان) ۲۹/۵	۱۳/۱	سرباز (سیستان و بلوچستان) ۱/۶
درصد فعالیت مردان	ابوموسی (هرمزگان) ۹۲/۵	عسلویه (بوشهر) ۸۶/۲	کنگان (بوشهر) ۸۵/۱	۶۵/۷	مهرستان (سیستان و بلوچستان) ۴۴/۰
درصد فعالیت زنان	سرباز (سیستان و بلوچستان) ۳۲/۹	چرداول (ایلام) ۲۸/۸	لنده (کهگیلویه و بویراحمد) ۲۷/۷	۱۲/۸	بهار (همدان) ۴/۳
نسبت بیکاری مردان	ثلاث باباجانی (کرمانشاه) ۳۲/۳	اسلام‌آبادغرب (کرمانشاه) ۳۲/۰	فارس (چهارمحال و بختیاری) ۲۹/۳	۱۰/۸	ابوموسی (هرمزگان) ۰/۵
نسبت بیکاری زنان	اسلام‌آبادغرب (کرمانشاه) ۶۴/۸	جوانرود (کرمانشاه) ۵۹/۳	ثلاث باباجانی (کرمانشاه) ۵۶/۱	۲۲/۱	خوشاب (خراسان رضوی) ۲/۰

* از آنجایی که ارقام مربوط به میانگین هر شاخص، از میانگین گیری حسابی ساده برای همه شهرستان‌های کشور به‌دست آمده است، میانگین‌های گزارش شده در این جدول ممکن است لزوماً با میانگین‌هایی که در سطح کل کشور بر مبنای داده‌های سرشماری به‌دست می‌آید، یکسان نباشد و قدری متفاوت باشد. به عبارت دیگر، برای محاسبه این میانگین‌ها، شهرستان‌ها به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده و بنابراین، هر شهرستان به عنوان نمونه مستقلی در نظر گرفته شده که قرار است در تحلیل مشارکت نماید. به این جهت، وزن همه شهرستان‌ها یکسان در نظر گرفته شده است.

ب) تحلیل روابط دومتغیره

جدول ۲ ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون میان شاخص‌های تجرد در سطح شهرستان‌های کشور را به تفکیک برای زنان و مردان نشان می‌دهد. نتایج جدول، نمایانگر همبستگی نسبتاً شدیدی میان متغیرهای مربوط به تجرد در هر دو جنس است. بر اساس اطلاعات جدول، نسبت‌های تجرد زنان در دامنه سنی ۳۹-۲۵ همبستگی قوی، مستقیم و معناداری را نشان می‌دهد. به همین ترتیب، الگوی مشابهی از این رابطه را در مورد نسبت‌های تجرد مردان نیز می‌توان یافت. یافته‌های این جدول، دلالت بر آن دارد که هنگامی که به واسطه تأخیر ازدواج، نسبت‌های تجرد در گروه‌های سنی پایین‌تر شروع به افزایش می‌کند، احتمال تجرد در گروه سنی بعدی نیز به

موازات آن افزایش خواهد یافت و در نتیجه انتقال این الگوهای تأخیر به سنین بالاتر، نهایتاً پتانسیل رشد مجرد قطعی برای مردان و زنان را افزایش خواهد یافت.

یافته دیگری که در جدول ۲ قابل بحث است، همبستگی میان وضعیت مردان و زنان از نظر نسبت‌های مجرد است. بر اساس اطلاعات جدول، رابطه همبستگی متوسط به بالا، مستقیم و معناداری میان شاخص‌های مجرد زنان و مردان قابل مشاهده است. مطابق انتظار، این یافته وابستگی متقابل میان شانس ازدواج دو جنس و آنچه را که با عنوان فراهمی جفت^۱ خوانده می‌شود منعکس می‌کند. بر این اساس، چنانچه شرایط برای ازدواج یک جنس مهیا باشد، احتمالاً جنس مخالف نیز نسبت مجرد کمتری خواهد داشت. باینحال، در این رابطه نقش عوامل میانجی دیگری مانند وضعیت مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی و تنگنای ازدواجی می‌تواند قابل توجه باشد که تحقیقات بیشتری را در این زمینه می‌طلبد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی پیرسون میان شاخص‌های مجرد دو جنس در سطح شهرستان‌های ایران- داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

نسبت مجرد زنان در سنین:			نسبت مجرد مردان در سنین:			میانگین سنی	
۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	مجردی زنان	مجردی مردان
نسبت مجرد زنان در سنین:							
۱	۰/۸۹۶**						
	۱	۰/۹۲۵**					
		۱					
			۱	۰/۶۰۷**	۰/۷۷۲**	۰/۹۳۶**	میانگین سنی مجرد زنان
نسبت مجرد مردان در سنین:							
	۰/۷۴۷**	۰/۶۰۹**	۰/۵۵۳**	۰/۷۸۱**	۱		
	۰/۸۰۰**	۰/۶۷۱**	۰/۵۹۷**	۰/۸۱۳**	۰/۹۴۷**	۱	
	۰/۷۶۵**	۰/۶۳۶**	۰/۵۵۴**	۰/۷۷۱**	۰/۸۵۳**	۰/۹۵۰**	۱
	۰/۷۴۸**	۰/۶۰۸**	۰/۵۵۱**	۰/۷۹۱**	۰/۹۹۱**	۰/۹۵۷**	۰/۸۷۵**
***معناداری در سطح ۰/۰۰۱ **معناداری در سطح ۰/۰۱ *معناداری در سطح ۰/۰۵							

جدول ۳، همبستگی پیرسون میان تعدادی از متغیرهای مستقل پژوهش را با نسبت‌های مجرد مردان و زنان در سه گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله، ۳۴-۳۰ ساله، ۳۹-۳۵ ساله گزارش نموده است. جدول مذکور، همچنین همبستگی متغیرهای مستقل با شاخص میانگین سنی مجرد را نیز نشان می‌دهد. قریب به اتفاق ضرایب گزارش شده برای روابط دومتغیره در جدول، حاکی از ارتباط معنادار متغیرهای مستقل با وضعیت مجرد برای هر دو جنس در سطح شهرستان‌های ایران است. متغیرهای نسبت کودک به زن و درصد فعالیت مردان همبستگی معکوسی را با همه شاخص‌های مربوط به وضعیت مجرد برای مردان و زنان نشان می‌دهد. این یافته دلالت بر آن دارد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، شهرستان‌هایی که در آنها شاخص نسبت کودک به زن و در نتیجه نرخ باروری زنان بالاتر است، عمدتاً همان شهرستان‌هایی هستند که ازدواج‌ها در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد و به همین جهت، برای هر دو جنس نسبت‌های مجرد پایین‌تری دارند. این رابطه مطابق انتظار ما، ارتباط تنگاتنگ و متقابل ازدواج و باروری را در سطح شهرستان‌های ایران منعکس می‌کند. دلالت ضمنی این یافته برای حوزه سیاستگذاری‌های اجتماعی - که در مطالعات دیگری (عسکری‌ندوشن و ترابی، ۱۴۰۰) نیز مورد اشاره قرار گرفته - آن است که تسهیل و تشویق ازدواج به منظور کاهش سن مجرد، می‌تواند به ارتقاء سطح باروری کمک نماید. بنابراین، مناطق و شهرستان‌هایی که با تأخیر بیشتری در ازدواج مواجه‌اند، اولویت بالاتری در این زمینه دارند. در شاخص درصد فعالیت مردان نیز به همین صورت، شهرستان‌هایی که در آنها درصد فعالیت مردان بالاتر است، تشکیل خانواده نیز در آنها زودتر اتفاق می‌افتد. بر اساس یافته‌های جدول ۳، جهت ارتباط میان شاخص نسبت‌های باسوادی مردان و زنان و همچنین شاخص نسبت شهرنشینی با متغیر وابسته برای زنان، برخلاف مردان و رابطه‌ای معکوس است. یعنی شهرستان‌هایی که درصد جمعیت روستایی کمتر و شهرنشینی بالاتری داشته‌اند، نسبت مجرد زنان در آنها پایین‌تر؛ ولی نسبت مجرد مردان بالاتر است. این یافته را باید در رابطه با نقش تأثیرگذار عامل مهاجرت در تبیین تفاوت‌های موجود در وضعیت مجرد مردان و زنان تحلیل نمود. شهرستان‌های با درصد شهرنشینی بالاتر، شهرستان‌های مهاجرپذیر و شهرستان‌های با درصد روستانشینی بالاتر احتمالاً مهاجرفرستند. از طرفی، باتوجه به اینکه ادبیات پژوهشی مؤید گزینشی بودن فرآیند مهاجرت و احتمال بالاتر مهاجرت برای مردان در مقایسه با زنان است (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷)، بنابراین، مهاجرت مردان به شهر سبب افزایش

شانس "فراهمی جفت" برای زنان در مناطق شهری می‌شود و حال آنکه زنان نقاط روستایی با پدیده تأخیر ازدواج و طولانی شدن دوره مجرد مواجه می‌گردند. شاخص‌های نسبت باسوادی مردان و زنان نیز رابطه معکوسی را با وضعیت مجرد زنان و رابطه مثبتی را با مجرد مردان در سطح شهرستان‌های کشور نشان می‌دهد. به عبارت دیگر در شهرستان‌هایی که از نسبت جمعیت باسواد بیشتری برخوردارند، زنان نسبت مجرد پایین‌تری در بازه سنی ۲۵-۳۹ ساله تجربه کرده‌اند و حال آنکه مردان، نسبت مجرد بالاتری داشته‌اند.

دو شاخص نسبت زنان و مردان دارای تحصیلات عالی، رابطه مثبتی را با وضعیت مجرد هر دو جنس در سطح شهرستان‌های ایران نشان می‌دهد. شدت ارتباط این دو متغیر با وضعیت مجرد مردان در مقایسه با زنان قوی‌تر است. بر اساس این یافته، شهرستان‌هایی که در سال ۱۳۹۵، درصد جمعیت دارای تحصیلات عالیه بالاتری داشته‌اند، نسبت‌های مجرد نیز در آنها به‌ویژه برای مردان بالاتر بوده است. تحلیل رابطه میان شاخص‌های نسبت باسواد و تحصیلات عالی را می‌توان در پرتو یافته‌های اخیر مطالعات تجربی دیگر در خصوص سن ازدواج زنان در ایران جمع‌بندی نمود. عسکری‌ندوشن و همکارانش (۱۳۹۷) بر اساس داده‌های یک پیمایش ملی گزارش کرده‌اند که تحصیلات زنان رابطه J شکل و به‌ویژه در میان کوهورت‌های اخیرتر ازدواج، رابطه‌ای نزدیک به U شکلی را با سن ازدواج نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های مطالعه مذکور، میانگین سن ازدواج برای زنانی که بی‌سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی هستند، ۲۳/۵ سال است. سپس در مقاطع راهنمایی و متوسطه به مقدار حداقلی خود (حدود ۲۰ سال) کاهش می‌یابد و دوباره به موازات افزایش سطح تحصیلات در مقاطع دانشگاهی، سن ازدواج نیز روبه فزونی می‌گذارد؛ به‌طوری‌که برای دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و بالاتر تا ۲۸/۴ سال افزایش می‌یابد (ص ۱۸۸-۱۸۷). باین اوصاف، شاید بتوان گمانه‌زنی کرد که احتمالاً بالاتر بودن نسبت باسواد زنان در بسیاری از شهرستان‌های کشور به معنای آن است که سهم زنانی که در سطوح میانی تحصیلی واقع‌اند، در این نقاط بیشتر از شهرستان‌هایی است که در آنها شاخص نسبت باسواد به‌طور کلی پایین‌تر است. از طرفی، برای زنان، دارا بودن سطوح میان تحصیل، احتمالاً به‌معنای افزایش شانس خانه‌دار بودن برای آنان است. بررسی‌های قبلی در ایران نشان داده‌اند که متوسط سن ازدواج زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل و یا بیکار در جستجوی کار، به‌طور قابل توجهی پایین‌تر بوده است (عسکری‌ندوشن، ۱۳۹۷) در هر صورت، برای تحلیل دقیق‌تر مکانیزم این

رابطه، به تحقیقات دیگری نیاز است که شاخص کلی نسبت باسوادی را به اجزاء آن جدا نماید و به تفکیک سطوح تحصیلی، وضعیت مجرد را در میان هر دو جنس مردان و زنان بررسی نماید. شاخص‌های نسبت بیکاری مردان و زنان و همچنین درصد فعالیت زنان همبستگی مستقیمی را با وضعیت مجرد هر دو جنس در سطح شهرستان‌های ایران نشان می‌دهند. این یافته مطابق انتظار و به این معنی است که شهرستان‌هایی که دارای نسبت‌های بالاتر بیکاری برای مردان و زنان بوده‌اند، شاخص‌های مجرد بالاتری را هم برای زنان و هم برای مردان نشان داده‌اند و برعکس، در شهرستان‌های با نسبت بیکاری پایین‌تر، دوران مجرد نیز کوتاه‌تر بوده و بنابراین ازدواج‌ها در سنین پایین‌تری صورت گرفته است. شاید یک نکته برجسته در اطلاعات ارائه شده در جدول ۴، آن است که ارتباط میان درصد فعالیت مردان با شاخص‌های مجرد هر دو جنس، کاملاً در جهتی مخالف با رابطه درصد فعالیت زنان با شاخص‌های مجرد است. این شواهد دلالت بر آن دارد که در شهرستان‌هایی که مردان دارای درصد فعالیت و مشارکت در نیروی کار بالاتری هستند، درصد جمعیت مجرد اعم از زنان و مردان پایین‌تر است. حال آنکه بالاتر بودن درصد فعالیت زنان به معنای بالاتر بودن درصد مجردها در آن شهرستان‌هاست. این دو یافته به ظاهر مغایر، بر اساس دو چارچوب متفاوت قابل تحلیل است. از یکسو، با توجه به اینکه در جامعه ایران، مدل مرد-نان‌آور الگوی مسلط بر خانواده ایرانی از گذشته دور تاکنون بوده است (عسکری ندوشن، ۱۳۸۲)، از این‌رو، انتظارات اجتماعی رایج آن است که کلیه هزینه‌های خانواده توسط مردان تأمین شود. با این تفسیر، در شهرستان‌هایی که درصد مشارکت مردان در نیروی کار پایین است، مردان شرایط لازم برای ازدواج و عهده‌دار شدن پذیرش چنین مسئولیتی را در خود نمی‌یابند و بنابراین، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. اما ازدیگرسو، مشارکت و حضور زنان در نیروی کار، به معنای استقلال اقتصادی بیشتر زنان است و مطابق با انتظارات نظری، در این‌گونه مواقع، منافع اقتصادی ازدواج برای زنان کاهش می‌یابد و ازدواج را به تأخیر می‌اندازند.

جدول ۳: همبستگی پیرسون میان شاخص‌های توسعه و شاخص‌های مجرد مردان و زنان در

شهرستان‌های ایران - داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

متغیرهای مستقل:	نسبت مجرد زنان در سنین:			میانگین سنی تجرد زنان	نسبت مجرد مردان در سنین:			میانگین سنی تجرد مردان
	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹		۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	
نسبت شهرنشینی	-۰/۰۱۲	-۰/۲۰۵ ^{۰۰}	-۰/۲۳۶ ^{۰۰}	-۰/۱۳۶ ^{۰۰}	۰/۲۷۵ ^{۰۰}	۰/۲۴۳ ^{۰۰}	۰/۲۴۲ ^{۰۰}	۰/۳۰۰ ^{۰۰}
نسبت کودک به زن	-۰/۳۱۰ ^{۰۰}	-۰/۱۲۰ ^{۰۰}	-۰/۱۱۳ ^{۰۰}	-۰/۳۷۴ ^{۰۰}	-۰/۷۰۳ ^{۰۰}	-۰/۶۳۹ ^{۰۰}	-۰/۵۳۱ ^{۰۰}	-۰/۷۱۶ ^{۰۰}
نسبت زنان باسواد	-۰/۱۵۵ ^{۰۰}	-۰/۳۲۵ ^{۰۰}	-۰/۳۱۵ ^{۰۰}	-۰/۰۲۰	۰/۱۴۳ ^{۰۰}	۰/۱۳۹ ^{۰۰}	۰/۱۶۴ ^{۰۰}	۰/۱۸۵ ^{۰۰}
نسبت مردان باسواد	-۰/۱۴۷ ^{۰۰}	-۰/۲۹۵ ^{۰۰}	-۰/۲۵۴ ^{۰۰}	-۰/۰۲۲	۰/۱۸۴ ^{۰۰}	۰/۱۳۵ ^{۰۰}	۰/۱۲۳ ^{۰۰}	۰/۲۲۰ ^{۰۰}
نسبت زنان دارای تحصیلات عالی	۰/۲۷۶ ^{۰۰}	۰/۰۵۸	-۰/۰۱۹	۰/۴۵۸ ^{۰۰}	۰/۴۸۹ ^{۰۰}	۰/۴۵۹ ^{۰۰}	۰/۴۱۷ ^{۰۰}	۰/۵۱۰ ^{۰۰}
نسبت مردان دارای تحصیلات عالی	۰/۳۲۵ ^{۰۰}	۰/۱۶۱ ^{۰۰}	۰/۱۱۱ ^{۰۰}	۰/۴۴۰ ^{۰۰}	۰/۵۰۱ ^{۰۰}	۰/۴۴۱ ^{۰۰}	۰/۳۶۷ ^{۰۰}	۰/۵۱۰ ^{۰۰}
درصد فعالیت مردان	-۰/۳۶۷ ^{۰۰}	-۰/۲۴۳ ^{۰۰}	-۰/۰۸۹	-۰/۴۰۰ ^{۰۰}	-۰/۱۴۱ ^{۰۰}	-۰/۲۲۲ ^{۰۰}	-۰/۲۸۸ ^{۰۰}	-۰/۱۵۵ ^{۰۰}
درصد فعالیت زنان	۰/۳۲۵ ^{۰۰}	۰/۳۰۳ ^{۰۰}	۰/۲۱۳ ^{۰۰}	۰/۳۳۸ ^{۰۰}	۰/۱۰۵ ^{۰۰}	۰/۲۲۰ ^{۰۰}	۰/۲۴۶ ^{۰۰}	۰/۱۱۲ ^{۰۰}
نسبت بیکاری مردان	۰/۲۸۴ ^{۰۰}	۰/۲۵۸ ^{۰۰}	۰/۲۰۵ ^{۰۰}	۰/۲۴۸ ^{۰۰}	۰/۱۸۲ ^{۰۰}	۰/۱۴۵ ^{۰۰}	۰/۱۱۳ ^{۰۰}	۰/۱۶۴ ^{۰۰}
نسبت بیکاری زنان	۰/۳۷۹ ^{۰۰}	۰/۳۰۱ ^{۰۰}	۰/۲۳۷ ^{۰۰}	۰/۳۹۶ ^{۰۰}	۰/۳۵۲ ^{۰۰}	۰/۳۴۶ ^{۰۰}	۰/۲۹۸ ^{۰۰}	۰/۳۴۹ ^{۰۰}
** معناداری در سطح ۰/۰۱ * معناداری در سطح ۰/۰۵								

ج) تحلیل چندمتغیره

اطلاعات جدول ۴ به تحلیل چندمتغیری عوامل مرتبط با وضعیت مجرد مردان و زنان در سطح شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۵ پرداخته است. در این جدول، تمرکز تحلیل ما بر نسبت‌های مجرد مردان و زنان در بازه سنی ۳۰-۳۹ است و در اینجا، کلیه متغیرهایی که روابط دومتغیره قبلی آنها معنادار شده بود، در مدل چندمتغیره رگرسیونی کنترل شده‌اند. اینکه بازه سنی ۳۰-۳۹ ساله در کانون تمرکز تحلیل چندمتغیره قرار گرفت، به چند دلیل بود. نخست اینکه، شواهد سطحی ما حاکی از آن است که در عرف اجتماعی کنونی جامعه ایرانی، احتمالاً اجماع نسبی بتوان یافت که موکول شدن ازدواج به بعد از سن ۳۰ سالگی، برای هر دو جنس چندان ترجیح و مطلوبیتی ندارد. یافته‌های مطالعات قبلی در زمینه سن ایده‌آل ازدواج نیز مؤید این موضوع است (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰؛ عسکری ندوشن، عباسی شوازی و پیری محمدی ۱۳۹۵؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). دوم اینکه، از آنجایی که تغییرات مجرد برحسب سن توزیع خطی ندارد و سرعت وقوع ازدواج در سنین زیر ۳۰ سالگی بالاتر است، امکان تشخیص دقیق و شناسایی عوامل تعیین‌کننده مجرد در بازه سنی بزرگ‌تر از ۱۰ سال، دشوار و پیچیده می‌شود. سوم آنکه، دامنه سنی ۳۰-۳۹ ساله در سرشماری ۱۳۹۵، کوهورت متولدین سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۵-

۱۳۵۵ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند که با ورود به جمعیت کشور، ایران یک شوک جمعیتی را با افزوده شدن جمعیتی قریب به ۱۶ میلیون نفر، تنها در فاصله یک دهه تجربه نمود (افزایش جمعیت از ۳۳/۷ به ۴۹/۴ میلیون نفر).

بر اساس نتایج جدول ۴، تمامی متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی، پس از کنترل چندمتغیره همچنان ارتباط معنادار خود را حفظ می‌کنند. از آنجاکه ضرایب گزارش شده در جدول، استاندارد هستند، اندازه ضرایب برای متغیرهای مختلف با یکدیگر قابل مقایسه است. شاخص نسبت کودک به زن بزرگترین رابطه معکوس را با نسبت‌های مجرد هم برای زنان و هم برای مردان نشان می‌دهد. به این معنی که در شهرستان‌هایی که در آنها باروری پایین‌تر است، ازدواج نیز با تأخیر بیشتری اتفاق می‌افتد و در نتیجه نسبت‌های مجرد بالاتری دارند. برعکس، در شهرستان‌های دارای باروری بالاتر، ازدواج نیز سریع‌تر اتفاق می‌افتد و نسبت‌های مجرد پایین‌تر است. این موضوع، پیوند متقابل نزدیک و نیرومند ازدواج و فرزندآوری را مجدداً تأیید می‌کند. در نقطه مقابل، مهمترین عوامل تعیین‌کننده‌ای که تأثیر مثبت و مستقیمی بر وضعیت مجرد زنان و مردان دارد، به ترتیب درصد فعالیت زنان و نسبت مردان دارای تحصیلات عالی است. در مجموع، متغیرهای مستقل موجود در معادله بیش از ۵۰ درصد از واریانس شهرستان‌های ایران در نسبت مجرد مردان و حدود ۲۷ درصد از واریانس شهرستان‌های ایران در نسبت مجرد زنان را تبیین می‌کنند. بخش تبیین نشده واریانس به عوامل دیگری مربوط است که در این تحلیل وارد نگردیده است. در یک جمع‌بندی از نتایج مدل‌ها، می‌توان گفت که متغیرهایی که برای تحلیل مجرد مردان گزینش شده و در تحلیل حاضر وارد گردیده‌اند، مجموعه منتخب مناسبی است که از قدرت پیش‌بینی نسبتاً خوبی در تبیین تفاوت‌های وضعیت مجرد در شهرستان‌های ایران برخوردارند.

جدول ۴: ضرایب استاندارد (بتاهای) برآورد شده در رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر درصد

تجرد مردان و زنان ۳۹-۳۰ ساله در شهرستان‌های ایران- داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

متغیرهای مستقل	نسبت مجرد مردان در سنین ۳۹-۳۰	نسبت مجرد زنان در سنین ۳۹-۳۰
نسبت باسوادی مردان	-۰/۳۱۳***	—
نسبت مردان دارای تحصیلات عالی	۰/۲۳۲***	—
درصد فعالیت مردان	-۰/۱۹۷***	—
نسبت بیکاری مردان	۰/۰۸۹*	—
نسبت شهرنشینی	۰/۱۸۲***	-۰/۱۷۶**
نسبت کودک به زن	-۰/۶۲۲***	-۰/۳۳۲***
نسبت باسوادی زنان	—	-۰/۳۰۰***
درصد فعالیت زنان	—	۰/۲۷۸***
نسبت بیکاری زنان	—	۰/۲۱۲***
R^2 تعدیل شده	۰/۵۰۶	۰/۲۶۵
F کلی مدل	۶۸۷***	۳۱/۹***
*** معناداری در سطح ۰/۰۰۱	** معناداری در سطح ۰/۰۱	* معناداری در سطح ۰/۰۵

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شاخص‌های مجرد جوانان ایران اعم از زنان و مردان در سطح شهرستانی که با پدیده تأخیر در ازدواج روبه‌رو بودند انجام شد. در این مطالعه تفاوت‌های شهرستانی در شاخص‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مرتبط با نسبت مجرد در دو جنس، از جمله: نسبت شهرنشینی، نسبت کودک به زن، میانگین سن ازدواج جنس مقابل، نسبت باسوادی، نسبت باسوادان دارای تحصیلات عالی، درصد فعالیت و درصد بیکاری بررسی شد. به‌منظور ارزیابی روابط متغیرهای فوق با نسبت مجرد، داده‌های ۴۲۹ شهرستان کشور در سرشماری ۱۳۹۵ مورد پردازش قرار گرفت و اطلاعات و شاخص‌های مورد نیاز برای تحلیل محاسبه و آماده‌سازی شد. همسو با مطالعات پیشین (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸)، یافته‌های کلیدی حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که از نظر توزیع فضایی وضعیت مجرد در ایران، شهرستان‌های واقع بر روی نواره‌ای که از غرب تا جنوب غرب کشیده شده دارای بالاترین نسبت‌های مجرد برای مردان و زنان هستند. این نواره، شهرستان‌هایی از استان‌های کرمانشاه و ایلام و لرستان تا چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس و بوشهر را در برمی‌گیرد. در مقابل، پایین‌ترین نسبت‌های مجرد برای مردان و زنان را می‌توان در مناطق مرکزی کشور دید

که امتداد آن به سمت شمال شرق کشور و منطقه خراسان ایران شامل خراسان‌های جنوبی، شمالی و به ویژه استان خراسان رضوی کشیده می‌شود. در تبیین این تفاوت‌های شهرستانی در وضعیت تجرد، برهمکنش میان عوامل ساختاری با الگوهای فرهنگ محلی غالب در مناطق مختلف ایران نقش کلیدی و مهمی دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بیشتر بر عوامل ساختاری، ارتباط میان برخی از شاخص‌های توسعه‌ای و اقتصادی- اجتماعی شهرستان‌ها را بررسی نمود. البته به هیچ وجه، این به معنای کم‌اهمیت دانستن سهم الگوهای متنوع فرهنگ محلی حاکم بر حوزه ازدواج و خانواده در شهرستان‌های ایران نیست. بلکه، به باور ما این الگوهای متنوع فرهنگ محلی، نقش قابل توجه و پررنگی را در تبیین تفاوت‌های زمان‌بندی ازدواج در سطح کشور دارند. اما پرداختن به آن، خارج از هدف و حوصله مقاله حاضر بود و تحقیقات جداگانه‌ای را طلب می‌نماید. با توجه به توزیع فضایی وضعیت تجرد در شهرستان‌های ایران، موضوعی که می‌تواند در دستور کار تحقیقات آینده قرار گیرد آن است که بعد از پهنه‌بندی فرهنگی مناطق مختلف کشور، به‌طور جداگانه، پراکندگی درونی هر پهنه فرهنگی از نظر وضعیت تجرد جوانان و عوامل تعیین‌کننده تفاوت‌ها در آن پهنه فرهنگی مطالعه و مقایسه شود.

تحلیل‌های ما از همبستگی میان نسبت‌های سنی تجرد نشان داد هنگامی که به واسطه تأخیر ازدواج، نسبت‌های تجرد در گروه‌های سنی پایین‌تر شروع به افزایش می‌کند، احتمال تجرد در گروه سنی بعدی نیز به موازات آن افزایش خواهد یافت. به واسطه انتقال این الگوهای تأخیر به سنین بالاتر، نهایتاً پتانسیل رشد تجرد قطعی برای مردان و زنان در آینده نزدیک در ایران دور از انتظار نخواهد بود. همسو با این یافته، رحیمی و همکارانش (۱۳۹۴: ۹۹) ضمن تحلیل نسلی گذار تجرد جوانان در ایران، نتیجه می‌گیرند که در نسل‌های قدیمی‌تر، افرادی که قصد ازدواج داشتند تا قبل از ۴۰ سالگی ازدواج می‌کردند. اما، در نسل‌های جدیدتر با توجه به تأخیری که در ازدواج‌ها به وجود می‌آید، احتمال ازدواج بعد از ۴۰ سالگی نیز افزایش می‌یابد. با این اوصاف، با توجه به حجم انبوه جمعیت جوانانی که در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ متولد شده و در سرشماری ۱۳۹۵ در سنین ۳۹-۳۰ سالگی واقع‌اند، برای جلوگیری از افزایش تجرد قطعی، اولویت جدی و فوری برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های ملی باید فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب برای ازدواج این مجردها باشد. عسکری‌ندوشن و ترابی (۱۴۰۰) دریافتند که در تجربه باروری پایین ایران طی سالیان اخیر، نقش عامل تأخیر در وقوع تشکیل خانواده در میان جوانان ایرانی مهم و تعیین‌کننده بوده

است. این امر، اهمیت مضاعف تدوین اولویتهای سیاستی برای جوانان را در این زمینه منعکس می‌کند.

یافته‌های مطالعه حاضر، همچنین ارتباط میان شاخص‌ها و متغیرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی شهرستان‌ها و نسبت‌های مجرد (با تمرکز ویژه بر دامنه سنی ۳۹-۳۰ سالگی) را نشان داد. برپایه نتایج، وضعیت شهرستان‌ها در شاخص‌های آموزش، اشتغال، شهرنشینی و باروری با نسبت‌های مجرد مردان و زنان همبسته‌اند. درصد فعالیت و مشارکت مردان در نیروی کار، رابطه معکوسی را با نسبت مجرد و درصد مشارکت زنان در نیروی کار رابطه مستقیمی را با افزایش مجرد نشان داد. این یافته را می‌توان در هماهنگی با نظریه‌های بکر (۱۹۸۱) و اوپنهایم (۱۹۸۸) تفسیر نمود که بر کاهش منفعت انتظاری ازدواج تأکید دارند. بر اساس این نظریات، زمانی که زنان به سبب ورود و حضور در بازار کار، نقش‌های اقتصادی را عهده‌دار شوند که همانند نقش مردان است و در نتیجه، به استقلال مالی دست یابند، سن ازدواج به تأخیر می‌افتد. باین حال، به باور ما این تبیین، تبیینی جامعی نیست و تحقیقات بیشتری لازم است تا مکانیزم ارتباط مشارکت زنان در بازار کار را در ابعاد کامل‌تری مانند نوع شغل، میزان درآمد شغل، جایگاه اجتماعی شغل، و... متناسب با بستر اجتماعی خاص آن بررسی نمایند.

اما یافته مهم دیگر مطالعه حاکی از آن است که بالاتر بودن درصد فعالیت مردان در سطح شهرستانی، به معنای پایین‌تر بودن نسبت مجرد هم برای مردان و هم برای زنان است. جالب‌تر آنکه شهرستان‌هایی که در آنها درصد فعالیت مردان بالاتر بوده است، نسبت مجرد زنان در آنها حتی به مراتب پایین‌تر از مردان بوده است. یعنی فعالیت مردان با کاهش مجرد زنان ارتباط معنادار نیرومندتری دارد تا خود مردان. ممکن است مهاجرپذیری شهرستان‌های برخوردار از بازار کار مناسب، عاملی باشد که در شکل دادن به الگوی این ارتباط نقش داشته باشد. به گونه‌ای که مردان جوان و در جستجوی کار به این شهرستان‌ها مهاجرت و گروهی نیز در شهرستان‌های مقصد مهاجرتی خود اقدام به ازدواج کرده‌اند؛ اما در هر حال، این یافته دلالت سیاستی مهمی نیز در بر دارد که بهبود وضع فعالیت و اشتغال مردان به‌ویژه در شهرستان‌های غیربرخوردارتر یکی از زمینه‌هایی است که در تعیین اولویتهای سیاستگذاری برای ازدواج هر دو جنس باید مورد توجه جدی قرار گیرد. بررسی رابطه نسبت بیکاری و مجرد نیز که پیش‌تر به آن اشاره شد، با توجه به الگوی هنجاری حاکم بر خانواده در ایران یعنی مدل خانواده مرد-نان‌آور، مؤید همین

دلالت سیاستی است.

یافته‌های مطالعه همچنین نشان داد نسبت شهرنشینی نیز با نسبت مجرد زنان رابطه منفی و با نسبت مجرد مردان رابطه مثبت دارد. ما این یافته را نیز پیش‌تر، در ارتباط با نقش تأثیرگذار عامل مهاجرت در تبیین تفاوت‌های شهرستانی موجود در وضعیت مجرد مردان و زنان تحلیل نمودیم. شهرستان‌های با درصد شهرنشینی بالاتر، شهرستان‌های مهاجرپذیر و شهرستان‌های با درصد روستائینی بالاتر، احتمالاً مهاجرفرستند. فزونی سهم مردان در جریان‌های مهاجرتی، سبب افزایش شانس "فراهمی جفت" برای زنان در مناطق شهری می‌شود و حال آنکه زنان نقاط روستایی با پدیده تأخیر ازدواج و طولانی شدن دوره مجرد مواجه می‌گردند. احمدی و هم‌متی (۱۳۸۷: ۶۲) نیز اشاره می‌کنند که افزایش جمعیت زنان ازدواج‌نکرده در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری به مهاجرت مردان جوان جویای کار مربوط می‌شود. این امر منجر به از دست رفتن شانس ازدواج برای دختران در مناطق روستایی می‌گردد و در نتیجه سن ازدواج افزایش می‌یابد.

در جمع‌بندی کلی از نتایج، به چند نکته می‌توان اشاره نمود. نخست آنکه، مطالعه حاضر بر تفاوت‌های شهرستانی مجرد متمرکز بود و به ناگزیر با محدودیت ناشی از تحلیل داده‌های ثانویه مواجه بود. در نتیجه، محدودیت داده‌ها، این مطالعه قادر نبود سهم عوامل و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را که از قضا در حوزه‌ای مانند ازدواج و مجرد، دارای اهمیت کلیدی هستند، و اتفاقاً بدنه مهمی از نظریه‌های علمی بر آن تأکید دارند (برای مثال؛ وندکا^۱، ۱۹۸۷؛ لستهاق و نیلز^۲، ۲۰۰۲؛ لستهاق، ۲۰۱۰؛ ترنتون^۳، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵)، را مورد ارزیابی قرار دهد. در نتیجه محدودیت مربوط به شهرستانی بودن سطح تحلیل، این مطالعه قادر نبود سهم عوامل فردی را بررسی کند. همانگونه که رحیمی و همکارانش (۱۳۹۴: ۱۰۵) به‌درستی اشاره دارند، تأخیر در ازدواج هم ناشی از عوامل "ساختاری و بیرونی" هم ناشی از عوامل "فردی و درونی" است. بنابراین، نیاز است که مطالعات آینده، هرکدام از این خلأهای پژوهشی را با انجام تحلیل‌های چندسطحی و نیز کاوش‌های بسترمند و یا گنجاندن سایر تعیین‌کننده‌های اجتماعی- فرهنگی مرتفع نمایند. نکته دوم، مربوط به سیاست‌گذاری‌هاست. در زمینه سیاست‌گذاری باید توجه ویژه‌ای به زنان

-
1. Van de Kaa
 2. Lesthaghe & Neels
 3. Thornton

مجردی که با تأخیر ازدواج مواجهند معطوف گردد و به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرند. این اولویت هم از جهت جبران باروری پایین کشور حائز اهمیت است و هم به لحاظ فشارها و چالش‌های متعددی که در حال و آینده این زنان و خانواده‌های‌شان با آن مواجه‌اند. با این وجود، چشم‌انداز فعلی شرایط، نشان‌گر آن است که بخشی از این زنان به اجبار مجرد باقی خواهند ماند و افزایش نسبت‌های مجرد قطعی زنان در جامعه ایران طی دهه آینده دور از انتظار نخواهد بود. البته مردان نیز در تمام گروه‌های سنی با تأخیر بیشتری نسبت به گذشته ازدواج می‌کنند، اما مسئله‌مندی ایجاد شده درخصوص مردان به اندازه زنان حاد نبوده و حتی مردان در حال حاضر نیز از عمومیت ازدواج بالاتری در مقایسه با زنان برخوردارند. افزایش نسبت‌های مجرد قطعی زنان، به‌دنبال خود چالش‌هایی را در سطح فردی، اجتماعی و خانوادگی دامن خواهد زد. وابستگی اقتصادی گروهی از این زنان به خانواده، پابه‌سن گذاشتن و کم‌کم ورود به سنین سالمندی، تنهایی ناشی از مجرد و احساس فقدان حمایت اجتماعی و... نمونه‌ای از این چالش‌هاست که لازم است مورد تحقیق و چاره‌اندیشی قرار گیرد. نکته سوم و پایانی مقاله اینکه، تسهیل و تشویق ازدواج در چارچوب بسته‌های سیاستی، پیش‌بینی‌پذیر، پایدار و منعطف بایستی اولویتی مهم و جدی شمرده شود. بر اساس نتایج مقاله حاضر، اجرای سیاست‌های توسعه متوازن ملی در جهت کاهش نابرابری شهرستان‌ها می‌تواند ضمن تسهیل ازدواج جوانان در ایران، تفاوت‌های منطقه‌ای و پراکندگی شهرستانی موجود در وضعیت مجرد جوانان را تنزل دهد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله، قدردانی خود را از همکاری آقای واحد سروش، دانشجوی دوره دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد در ترسیم نقشه‌های مورد استفاده در این مقاله اعلام می‌دارند.

منابع

- احمدی، وکیل و رضا همتی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مضیقۀ ازدواج در ایران (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵)، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۶۴-۴۳.
- آقایی، سیدسعید و رؤیا طاهری بنچناری (۱۳۹۲). نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران سال ۱۳۹۱)، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، سال ۳، شماره ۸، صص ۹۴-۷۵.

- بحیرائی، الهام و زهرا حضرتی صومعه (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر (مورد مطالعه: دانشجویان شاغل به تحصیل سال در ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۵۰-۱۳۷.
- بختیاری، علیرضا، حجه بی‌بی رازقی نصرآباد، ملیحه علی‌مندگاری و عباس عسکری‌ندوشن (۱۴۰۰). تعیین‌کننده‌های سن قصد شده ازدواج: پژوهشی در میان جوانان شهر اصفهان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۲۲، شماره ۲، صص: ۱۰۴-۱۲۹.
- التجائی، ابراهیم و مریم عزیززاده (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ۷، صص ۲۳-۱.
- حسین‌زاده، رسول (۱۳۸۷). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در تأخیر ازدواج جوانان شهرستان گرمسار، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- حسینی، حاتم، رسول صادقی و اردشیر رضایی (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران، *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- درگاهی، حسن، مجتبی قاسمی و امین بیرانوند (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان، *اقتصاد و الگوسازی*، دوره ۹، شماره ۴، صص ۹۵-۱۲۰.
- رحیمی، علی، شهلا کاظمی‌پور و حجه بی‌بی رازقی نصرآباد (۱۳۹۵). تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۰۹-۸۰.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر، علی رفعتی و محمدعلی آرمند (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه روند تحولات سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی در سرشماری‌های ۹۰-۱۳۵۵، *مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۶۹-۵۶.
- عباسی شوازی، محمدجلال و مرجان رشوند (۱۳۹۶). سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۳۴-۲۰ ساله شهر تهران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۱۶۹-۱۳۵.
- عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۸۲). عوامل نهادی مؤثر بر باروری با تأکید خاص بر تحولات خانواده در ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۹۷). نظری بر تحولات جمعیت‌شناختی ازدواج و خانواده در ایران، ارائه شده در نشست کانون تفکر سلامت اجتماعی، ۲۵ مردادماه ۱۳۹۷، یزد: پردیس آزادی دانشگاه یزد.
- عسکری‌ندوشن، عباس و فاطمه ترابی (۱۴۰۰). ازدواج آگاهانه و بهنگام: تأخیر در ازدواج زنان و فرصت‌های از دست رفته فرزندآوری در ایران، ارائه شده در وینار علمی گرامی‌داشت هفته ازدواج،

۲۳ تیرماه ۱۴۰۰، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت.

عسکری ندوشن، عباس، فاطمه فتوحی تفتی و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۹۷). بررسی تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه تطبیقی دختران جوان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۲۰، شماره ۷۹، صص ۲۱۰-۱۷۱.

عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و مریم پیری محمدی (۱۳۹۵). بررسی سن ایده‌آل ازدواج و عوامل تعیین کننده آن در شهر یزد، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۹، شماره ۷۳، صص ۶۳-۳۵.

عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص: ۷-۳۶.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، *پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۰۳.

محمدپور، علی و نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی بالارفتن سن ازدواج، *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۵۳-۳۹.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص ۵۳-۲۷.

محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰، تهران: صندوق جمعیت ملل متحد.

مرادی، گلرمد و محسن صفاریان (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال ۳، شماره ۷، صص ۱۰۸-۸۱.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵-۱۳۴۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران، مرکز آمار ایران. میرزایی، محمد (۱۳۸۲). گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. نیازی، محسن، محسن شاطریان و الهام شفائی مقدم (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ۶، شماره ۲، صص ۵۷-۲۷.

نیک‌پور، عامر و میلاد حسنعلی‌زاده (۱۳۹۹). تحلیل فضایی وضعیت زناشویی در نواحی شهری و روستایی ایران، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، صص ۳۲-۱۷.

- Abbasi-Shavazi, M. J., A. Askari-Nodoushan, & A. Thornton (2012). Family Life and Developmental Idealism in Yazd, Iran. *Demographic Research*. 26: 207-238. doi: 10.4054/DemRes.2012.26.10
- Becker, G. (1981). *A Treatise on the Family*, Cambridge: Harvard University Press.
- Bongaarts, J., & Watkins, S. C. (1996). Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions. *Population and Development Review*, 22: 639-682.
- Coale, A. J., & S. C. Watkins (eds), (1986). *The Decline of Fertility in Europe*. Princeton: Princeton University Press.
- Garenne, M. (2016). Dynamics of Marriage and Infertility in South Africa: An Analysis of Census Data, *African Population Studies*, 30(2): 2550-2563.
- Goode, W (1963), *World Revolution & Family Patterns*, New York, Free press publition.
- Hossain, M. and R. Islam. (2013). Effects of Socio-Economic and Demographic Variables on Age at First Marriage in Bangladesh, *Current Research Journal of Biological Sciences*, 5(4): 149-152.
- Ikamari, L. (2005). The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya, *Demographic Research*, Vol 12: 1-28.
- Lesthaeghe, R. (2010). The Unfolding Story of the Second Demographic Transition. *Population and Development Review*, 36: 211-251.
- Lesthaghe, R., & K. Neels (2002). From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland, *Journal of Population*, 18(2): 325-360.
- Mensch, B., S. Singh, & J. Casterline (2005). Trends in the Timing of First Marriage among Men and Women in the Developing World, *Population Council*, New York 10017 USA.
- Moro, A., S. Moslehi, & S. Tanaka (2017). Marriage and Economic Development in the Twentieth Century, *Journal of Demographic Economics*, 83(4): 379-420. <https://doi.org/10.1017/dem.2017.18>
- Nobles, J., & A. Buttenheim (2008). Marriage and Socioeconomic Change in Contemporary Indonesia, *Journal of Marriage and the Family*, 70(4): 904-918. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2008.00535.x>
- Oppenheimer, V. K. (1988). A Theory of Marriage Timing, *American Journal of Sociology*, 94: 563-591.
- Stevenson, B. & J. Wolfers (2007). Marriage and Divorce: Changes and their Driving Forces, *Journal of Economic Perspectives* 21(2): 27-52.
- Thornton A. (2001). The Developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change. *Demography*, 38: 449-467.
- Thornton, A. (2005). *Reading History Sideways. The Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Change*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Van de Kaa D. J. (1987). Europe's Second Demographic Transition, *Population Bulletin*, 42(1): 1-59.
- Yurovich, L. (2010). Men's and Women's Economic Activity and First Marriage: Jews in Israel, 1987-1995, *Demographic Research*, 22, Article 29.

Marriage Postponement in Iran: District-level Analysis of Youth Singlehood Patterns

Adele Emami*, Abbas Askari-Nodoushan**, Mohammad Torkashvand
Moradabadi***, Fatemeh Torabi****

Abstract

In recent years, the era of Iranian youth celibacy has become longer. The different trend of marriage postponement in different regions of Iran has led to the significant regional diversity in marriage timing between the provincial and district-level of the country. The purpose of this study is to examine the status and determinants of youth celibacy in the districts of Iran. The unit of analysis is 429 districts in Iran according to 2016 census. For this purpose, the proportions of single people in the districts of Iran has been studied, focusing on the ages of 25-39 years for men and women. According to the findings, some districts in the west and southwest of the Iran have the highest and in contrast, the center and northeast of the country have the lowest single proportion for both sexes. Celibacy ratios are inversely related to literacy ratio and activity rate and has a positive relationship with unemployment ratio. Independent variables explain 51% and 27% of the spatioal differences in the celibacy status of men and women aged 30-39 in Iran, respectively. Balanced national development policies to eliminate districts inequality can facilitate youth marriage and reduce regional differences in youth celibacy in Iran.

Keywords: Single youth, Marriage postponement, Age at marriage, Family formation, Districts of Iran.

* M. A. in Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: adeleemami@yahoo.com

** Associate Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, (Corresponding Author), E-mail: aaskarin@yazd.ac.ir

*** Assistant Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, E-mail: m.torkashvand@yazd.ac.ir

**** Associate Professor of Demography, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, E-mail: fatemeh_torabi@ut.ac.ir